

بررسی سیاست‌های راهبردی در جهت بهبود محیط کسب و کار

معصومه بیطرف^۱

چکیده:

رویکرد اصلی در این مقاله، تبیین جهت‌گیری‌های اساسی کشور، در جهت بهبود محیط کسب و کار است. بهبود محیط کسب و کار در دو سطح مطرح است: یکی اصلاحات بنیادی است که مستلزم انجام اصلاحات در نظام اقتصادی و مؤلفه‌های مرتبط با آن است و همچنین ارائه راهبرد توسعه کشور است که بنیادهای یک اقتصاد را تشکیل می‌دهند. در محیط نهادی اجماع نظر مجموعه‌های نهادهای حاکمیتی در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها برای ارتقای اثربخشی، حائز اهمیت است و در سطح دوم به ارائه سیاست‌های راهبردی اختصاص می‌یابد. در واقع در چارچوب نظام اقتصادی و در قالب راهبرد توسعه مدون و متناسب با مبانی و اقتضائات کشور است که سیاست‌های راهبردی کارآمد و اثربخش خواهد بود.

در این مقاله با انجام تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی، درباره ادبیات سیاست‌گذاری بحث می‌شود و سپس ابعاد هر یک از موانع و چالش‌های کلیدی، باثبات سازی محیط کلان، کارآمد سازی نهادها، توسعه دانش فناوری و ارتقای کارایی و توسعه بازارهای اقتصاد کلان پیش روی کسب و کارها در ایران را بررسی و درنهایت سیاست‌های راهبردی در جهت مقابله با موانع و چالش‌ها ارائه می‌گردد.

کلمات کلیدی: بهبود فضای کسب و کار، سیاست‌های راهبردی، موانع و چالش‌ها

^۱ دانشجوی مقطع دکتری کارآفرینی گرایش توسعه دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، مدرس دانشگاه، نشانی: تهران بزرگراه اشرافی اصفهانی - خیابان سیمون بولیوار - بلوک یاس طبقه ۸ واحد ۲، تلفن: ۰۹۱۲۶۳۵۵۲۲۶، masomeh.bitaraf@yahoo.com

مقدمه:

تحول اساسی در تولید، رشد و توسعه اقتصادی به کم و کیف فعالیت کارآفرینان یک جامعه بستگی دارد. فعالیت کارآفرینان نیز بر اساس محیطی که در آن فعالیت می‌کنند شکل می‌گیرد و توسعه پیدا می‌کند. به هر میزان که محیط کسب‌وکار مناسب باشد، فعالیت‌های کارآفرینانه گسترش می‌یابد و به تبع آن اشتغال و درآمد در جامعه افزایش می‌یابد. علاوه بر این با توسعه فعالیت‌های کارآفرینی در جامعه، قدرت رقابتی فعالان اقتصادی، ارتقاء می‌یابد و به تدریج صادرات افزایش و واردات کاهش پیدا می‌کند. به همین دلیل است که دولت‌ها درصدد هستند با بهبود محیط کسب‌وکار، کارآفرینان بالقوه و بالفعل را برای سرمایه‌گذاری و تولید تشویق کنند.

کارآفرینان در کشورهای مختلف از جمله ایران در محیط کسب‌وکار با چالش‌هایی مواجه هستند که شناسایی و برطرف کردن آن‌ها اهمیت دارد. طی دهه‌های گذشته، نتایج شاخص‌های کلان کشور مؤید آن است که باوجود تحولات صورت گرفته در دهه‌های اخیر و پیشرفته‌ای به دست آمده در حوزه‌های مختلف و با توجه به پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و طبیعی، وضعیت اقتصادی کشور چندان رضایت‌بخش نیست و کشور در یک دوره بلندمدت از نظر رشد اقتصادی، نرخ بیکاری و نرخ تورم، رشد بهره‌وری، توزیع درآمد، ساختار تولید و تجارت از وضعیت مطلوب فاصله دارد و نوسان عواملی چون رشد اقتصادی و نرخ تورم، مؤید آن است که کشور در ارتقاء اثربخشی مدیریت اقتصاد کلان و تنظیم و اجرای سیاست‌های باثبات و مؤثر، با چالش‌های اساسی مواجه است. یکی از الزامات غلبه بر مشکلات و چالش‌های پیش روی رشد و توسعه اقتصادی کشور، داشتن محیط کسب‌وکار مناسب و انگیزشی است. بهبود محیط کسب‌وکار و توسعه رقابت، یک مفهوم نسبی است که در سطح جهانی مطرح می‌باشد. به منظور شناسایی موانع و چالش‌های محیط کسب‌وکار عموماً پژوهش‌های صورت گرفته بر سیاست‌های اتخاذ شده به وسیله دولت تمرکز دارد برای ریشه‌یابی این موضوع که چرا دولت‌ها این‌گونه سیاست‌ها را اتخاذ می‌کنند بایستی مبانی و اصول نظام اقتصادی و راهبرد توسعه کشورها مورد توجه و مطالعه قرار گیرد.

در این مقاله ابتدا به بررسی محیط کسب و کار و موانع و چالش‌های آن پرداخته و در زمینه ادبیات سیاست‌گذاری و نظام اقتصادی و ارتباط مابین بحث می‌گردد و سپس ابعاد هر یک از موانع و چالش‌های کلیدی باثبات سازی محیط کلان، کارآمد سازی نهادها و توسعه دانش و فناوری و نوآوری و ارتقای کارایی و توسعه بازارهای اقتصاد کلان پیش روی کسب و کارها در ایران را بررسی و در نهایت سیاست‌های راهبردی (یافته‌های تحقیق) بر مبنای مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در اقتصاد ایران جهت شناسایی مشکلات و چالش‌ها بیان می‌گردد.

مبانی نظری:

- محیط کسب و کار:

آن دسته از عواملی هستند که در مدیریت بنگاه مؤثرند ولی خارج از کنترل مدیران بنگاه قرار دارند. رویکرد بهبود محیط کسب و کار برای تحقق رشد و توسعه اقتصادی این است که تنها خصوصی‌سازی، اعطای وام به طرح‌های تولیدی و زیرساخت‌ها برای رشد مستمر سرمایه‌گذاری کافی نیست و نیاز به عامل اساسی دیگری به نام محیط کسب و کار و فضای مساعد است. مجموع شاخص‌های محیط کسب و کار ایران در وضعیت مطلوبی قرار ندارند و ایران را می‌توان در زمره کشورهای گروه‌بندی کرد که فضای کسب و کار در آن‌ها، از وضعیت نامطلوبی برخوردار است. فضای کسب و کار ایران تا حد نسبتاً زیادی متأثر از فضای سرمایه‌گذاری اقتصاد جهانی و نحوه تعامل اقتصاد ایران با مناسبات و روابط بین‌المللی در اقتصاد جهانی است. فضای کسب و کار سرمایه‌گذاری را می‌توان از حوزه‌های استراتژیک توسعه صنعتی ایران تلقی کرد که عمدتاً ناشی از کلیه عوامل بیرونی بوده و عواملی چون بهره‌وری و اشتغال نیروی کار، سرمایه‌گذاری، آزادی‌های اقتصادی تولیدکنندگان و ظرفیت‌های تولیدی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. از سوی دیگر، توسعه اقتصادی بر پایه رقابت‌پذیری کشورها استوار است و سلامت محیط کسب و کار، از عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری می‌باشد. محیط کسب و کار روشن و سالم که منتج از سلامت اقتصاد و سیاست درست کشورها بوده و منجر به نتیجه‌های مثبت اقتصادی از قبیل صادرات مفید، رشد اقتصادی و توسعه

صنعتی می‌شود، از مواردی است که اکیداً باید در فهرست سیاست‌های اقتصادی دولت قرار بگیرد. من جمله اصلی‌ترین موانع کسب‌وکار که به لحاظ نهادی و از منظر کلان محیط کسب‌وکار کشور را متأثر می‌سازد می‌توان به مالکیت‌های خصوصی، مدیریت‌ها و نبود شفافیت و بی‌ثباتی در قوانین و مقررات و سیاست‌گذاری‌ها اشاره نمود. با توجه به موانع و چالش‌های متعدد فراروی محیط کسب‌وکار اقتصاد ایران، می‌بایست حرکتی عظیم و همه‌جانبه صورت پذیرد تا بتواند بستر لازم را برای تسهیل محیط کسب‌وکار از طریق تضمین امنیت آزادی و حقوق مالکیت و برقراری نظم حقوقی، حفظ ثبات اقتصادی، افزایش شفافیت در عملکرد دولتی، کاهش بار مقررات و پیچیدگی قوانین و مقررات مربوط به کسب‌وکارها فراهم نماید. (بیگدلی ۱۳۹۰)

موانع کسب‌وکارها در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای:

برای شناسایی موانع و چالش‌ها در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بر مبنای پژوهشی که بانک جهانی (۲۰۰۳) بر ۸۱ کشور انجام داده است و نتایج را در کتابی با عنوان "فضای سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی" منتشر شده است ناگرهایی که در سطح جهان به‌عنوان مشکل اساسی پیش روی کسب‌وکارها قرار دارند عبارت‌اند از:

- ۱- مالیات‌ها و قانون‌ها و مقررات
- ۲- تأمین مالی
- ۳- بی‌ثباتی سیاسی و نا اطمینانی
- ۴- نرخ تورم

۲-۳ جمع‌بندی موانع و چالش‌های پیش روی کسب‌وکار کشور:

| | | | | |
|--|-----------------------------------|------------------------------|--|-------------------------|
| جمع‌بندی موانع و چالش‌ها | حقایق آشکار شده کشور | مرادی ۱۳۸۹ | مرکز پژوهش‌های مجلس بهار ۱۳۹۱ | مجمع جهانی اقتصاد ۱۳۹۰ |
| کارآمد سازی نهادها | بی‌ثباتی و نا اطمینانی بالا | ارتقاء و توسعه دانش و فناوری | مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها | دسترسی به تأمین مالی |
| توسعه دانش فناوری و نوآوری | فناوری و بهره‌وری پایین | کارآمد سازی نهادها | ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی | بی‌ثباتی سیاسی |
| ارتقای کارایی و توسعه بازارهای اقتصاد کلان | ناکارآمدی نهادهای دولتی و عمومی | ثبات محیط کلان | بی‌تعهدی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به پرداخت به‌موقع بدهی خود به پیمانکاران | نرخ تورم |
| بائبات سازی محیط کلان | عدم تعادل در بازارهای اقتصاد کلان | قانون‌ها و مقررات کارآمد | نرخ بالای بیمه اجباری نیروی کار | ناکارآمدی نظام بروکراسی |
| ----- ----- | نرخ تورم | تبیین راهبرد توسعه | مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها | ناکافی بودن زیرساخت‌ها |

مفاهیم، مبانی و چارچوب‌های سیاست‌گذاری:

ابتدا مفاهیم و اصول مرتبط با سیاست‌گذاری و نظام‌های اقتصادی و ارتباط آن دو بحث می‌شود و در ادامه زمینه‌های سیاست‌گذاری و چگونگی ایفای نقش دولت در هدایت و سازمان‌دهی امور، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

در مفهوم عام، سیاست‌ها به مجموعه‌ای از تدابیر اطلاق می‌شود که در جهت دستیابی به یک یا چند هدف مشخص اتخاذ می‌شود. این اهداف مبتنی بر این اصل هستند که دولت مشکل یا مشکلاتی را از پیش روی جامعه بردارد سیاست‌گذاری در سطح کلان فرایندی است که با محوریت حکومت و دولت برای تأثیرگذاری در جامعه و مسائل عمومی به منظور اداره صحیح امور مطرح می‌شود. سیاست‌گذاری برای حل مسائل، مشکلات و چالش‌های جامعه تنظیم و به اجرا درمی‌آید به همین دلیل نحوه دخالت دولت در امور از اوضاع اقتصادی-اجتماعی، ارزش‌های سیاسی حاکم بر جامعه، ساختار دولت و ارزش‌های فرهنگی تأثیر می‌پذیرد. علم سیاست‌گذاری از تعریف سنتی که علم قدرت سیاسی بود به عنوان علم و هنر اداره جامعه تغییر یافته است با وجود این در دنیای واقعی درهم‌تنیده‌اند. (مرادی، محمدعلی ۱۳۹۱) مؤلفه‌های کلیدی برای کارآمدی یک سیاست عبارت است از کارایی در تخصیص منابع، اثربخشی در دستیابی به اهداف و سازگاری با اجرای برنامه‌ها و چارچوب‌های نهادی-قانونی جامعه و حداکثر سازی منافع عمومی. (همان منبع)

نظام‌های اقتصادی:

محیط اقتصاد ملی بر اساس نوع نظام اقتصادی شکل می‌گیرد نظام اقتصادی مجموعه‌ای از اصول و نهادهایی است که فعالیت‌های اقتصادی و روابط میان آن‌ها را تنظیم می‌کند نظام اقتصادی با تخصیص منابع و تولید، توزیع محصول و عوامل تولید و هزینه خانوارها، بانک‌ها و دولت سروکار دارد. در ادبیات موضوع رویکردهای مختلفی برای طبقه‌بندی نظام‌های اقتصادی وجود دارد. نظام‌های اقتصادی سنتی اولین نظام‌هایی هستند که در جهان رواج داشته‌اند نظام خویشاوندی فئودالی و ارباب‌رعیتی چندین سده در ایران رواج داشته است بر اساس تحقیقات نمازی (۱۳۹۱) نظام‌های سنتی در کشورهای اروپای غربی عبارت‌اند از نظام اقتصاد شبانی، خانگی، نظام اقتصادی

ملکی کشاورزی و نظام افزارمند. نظام‌های اقتصادی بر اساس ایدئولوژی به سه دسته اقتصادی اسلام، سوسیالیستی و سرمایه‌داری طبقه‌بندی می‌شود و نظام‌های اقتصادی بر اساس فرهنگ در دو دسته طبقه‌بندی می‌شوند که شامل نظام اقتصادی خودتنظیم کننده و تنظیم شونده بر اساس فرهنگ است. نوع دیگر طبقه‌بندی نظام‌های اقتصادی، نظام اقتصادی برنامه‌ریزی و نظام اقتصادی بازار آزاد است و امروزه حالت‌های حدی این دو نظام در دنیای واقعی وجود ندارد. چهار نوع نظام اقتصادی دیگر عبارت‌اند از نظام اقتصادی اسلام، نظام اقتصادی با برنامه‌ریزی متمرکز یا دستوری، نظام اقتصادی سرمایه‌داری یا نظام اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد و نظام اقتصادی مختلط. در نظام اقتصادی با برنامه‌ریزی متمرکز، منابع در اختیار دولت است و بخش خصوصی در این نظام وجود ندارد و فعالیت کسب‌وکارها تحت تأثیر دولت است و کارآفرینی به مفهوم متداول وجود ندارد درحالی‌که در نظام اقتصادی مبتنی بر بازار کسب‌وکارها آزادانه در بازار فعالیت می‌کنند و سازوکار بازار تخصیص منابع را بر عهده دارد در دنیای امروز نظام اقتصادی حاکم بر غالب کشورها تلفیقی از مؤلفه‌های دو نظام مذکور هستند. (همان منبع)

ارتباط نظام سیاسی و نظام اقتصادی:

نظام اقتصادی بر اساس نظام سیاسی شکل می‌گیرد زیرا موضوع اصلی نظام اقتصادی بر اساس مالکیت منابع و نحوه به‌کارگیری آن شکل می‌گیرد که مبانی آن در نظام سیاسی تبیین می‌شود. وارتنگتون و بریتن (۲۰۰۹) ارتباط این دو نظام را در شکل ۱-۲ توصیف کرده‌اند:

نظام سیاسی

| | | |
|------------|--------------------|--------------|
| دموکراتیک | | نظام اقتصادی |
| ۱ | ۲ | |
| بازار آزاد | برنامه ریزی متمرکز | |
| ۴ | ۳ | |
| استبدادی | | |

شکل ۲- ارتباط نظام اقتصادی و سیاسی (وارتینگتون و بریتن ۲۰۰۹)

نظام سیاسی در دامنه‌ای از نظام دموکراتیک و نظام استبدادی قرار دارد و جایگاه آن بر اساس میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها تعیین می‌شود. نظام اقتصادی هم مانند نظام سیاسی در دامنه بازار آزاد تا نظام برنامه‌ریزی متمرکز قرار دارد. جایگاه آن نیز بر اساس دخالت دولت در تخصیص منابع مشخص می‌شود. در نظام دموکراتیک مردم از طریق آراء خود در سرنوشت خویش مشارکت دارند و در بازار آزاد برقرار می‌مانند (منطقه ۱) در مقابل رابطه بین نظام استبدادی و نظام برنامه‌ریزی متمرکز ترسیم می‌شود (منطقه سه) وقتی که دولت بر نظام سیاسی کنترل دارد از طریق مالکیت دولتی اقتصاد در تولید، توزیع و مصرف در اختیار می‌گیرد پس دولت بجای مردم در ابعاد سیاسی و اقتصادی تصمیم می‌گیرد.

مطالعه و بررسی

-سیاست‌گذاری و مداخله دولت:

میزس (۱۹۹۸b) ایده سیاست‌گذاری را بر این اصل استوار می‌داند که دولت تدابیری اتخاذ می‌کند تا زندگی مردمی که در قلمرو آن زندگی می‌کنند از تعرض داخلی و خارجی در امان باشند و

دولت از آن‌ها حمایت کنند و طی آن مناقشه‌ها حل و فصل شود. در این حالت مردم آن کشور قادر خواهند بود به‌طور آزادانه در دستیابی به اهداف فعالیت کنند در این زمینه دولت‌ها درصدد هستند تا در ابعاد وسیع‌تری در امور مختلف کشور دخالت کنند تا وضعیت کشور را سروسامان بدهند عموماً دولت‌ها در بازارهای مختلف اقتصاد کلان یعنی بازار کل کالاها و خدمات، بازارهای مالی و بازار تولید دخالت می‌کنند و هدف آن‌ها از این دخالت آن است که وضع جامعه را بهبود بخشند باوجوداین، اغلب کشورهای درحال توسعه در عمل قادر نیستند که به اهداف اقتصاد کلان برسند یعنی دولت‌ها به‌جای ساماندهی امور و فراهم کردن شرایط مناسب برای انجام فعالیت‌ها، دخالت گسترده‌ای را صورت می‌دهند.

پس یکی از وظایف اصلی دولت‌ها این است که شرایطی فراهم کنند تا طی آن مردم و فعالان اقتصادی نظیر تولیدکننده، کارآفرین، مصرف‌کننده، پس‌اندازکننده، نیروی کار و تاجر برای دستیابی به اهداف، موفق عمل کنند و دولت‌ها از این طریق، فعالیت‌ها را سروسامان دهند.

طرفداران مکتب فکری نئوکلاسیک که زمانی به دولت حداقلی اعتقاد داشتند و سازوکار بازار را تنها رویکرد تخصیص بهینه منابع و افزایش رفاه عمومی می‌دانستند امروزه با استدلال‌های نظری مانند کالاهای عمومی و اطلاعات غیر کامل و همچنین بنا به دلایل تجربی و حقایق آشکارشده در کشورهای پیشرفته اذعان کرده‌اند و بر سنگینی نقش دولت در عصر دیجیتال تأکید می‌شود (استگلیتز و همکاران (۲۰۰۰)) ایشان بیان می‌کنند که نویسندگان زیادی در سده‌های ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ بر نقش فعال دولت در اقتصاد نظیر توسعه تجارت و صادرات تأکید داشتند مکتب مرکانتلیستها در این گروه قرار دارند. آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶، کتاب ثروت ملل خود را منتشر کرد که قسمتی از آن در واکنش به اندیشه مرکنتلیستها بود و طی آن بر نقش محدود دولت تأکید کرد. اسمیت اندیشه خود را بر رقابت و انگیزه سود به‌عنوان بهترین وسیله برای ارتقای رفاه عمومی معرفی کرد و سده‌ها به‌عنوان اندیشه غالب در جریان بوده است در کتاب اسمیت آمده است که افراد به دنبال منافع شخصی خودشان هستند دست نامرئی سبب می‌شود به‌تبع اینکه افراد به دنبال منافع خودشان هستند، منافع اجتماعی را ارتقا دهند در این نظریه نقش بخش خصوصی در اقتصاد برجسته و غالب است از زمان آدام اسمیت اقتصاددانان به‌تدریج بر نقش دولت توجه داشتند.

هشت دلیل بالقوه برای ایفا نقش دولت در ادبیات وجود دارد که به شرح زیر

معرفی می‌شود:

۱- کالاهای عمومی: بخش خصوصی برای تولید کالاهای عمومی انگیزه ندارد زیرا شرط حداکثر سود در بازار رقابت کامل برای بنگاه این است که درآمد نهایی برابر هزینه نهایی باشد و لذا هیچ بنگاهی تمایل ندارد محصول تولید کند و باقیمت صفر بفروش برساند از طرفی وقتی کالای عمومی تولید و عرضه شد نمی‌توان استفاده از آن را مانع شد پس کالای عمومی هم غیررقابتی است و هم غیرقابل منع. با عنایت به این‌که دانش ماهیت عمومی دارد دولت در اقتصاد دانش‌بنیان در تولید و عرضه کالای عمومی ایفای نقش می‌کند.

۲- اثرات خارجی: اثرات خارجی به حالتی اطلاق می‌شود که رفتار یک نفر یا یک بنگاه بر رفاه دیگری تأثیر دارد اما آن فرد یا بنگاه به دلیل این تأثیرگذاری نه جبران می‌کند و نه جبران می‌شود مثال متداول برای اثرات خارجی مثبت فناوری و اثرات خارجی منفی آلودگی است.

۳- بازارهای غیر کامل: دلیل سوم برای فعالیت دولت در اقتصاد شرایطی است که بازارها غیر کامل باشند استگلیتز و همکاران (۲۰۰۰) مثالی از بازارهای مالی ارائه کرده‌اند. بازارهای مالی غیر کامل قادر نیستند برای آموزش در سطوح بالاتر تأمین مالی کنند در این حالت دولت لازم است با تسهیلات برای این منظور ارائه کند یا اینکه تضمین اعطای وام را عهده‌دار شود.

۴- شکست اطلاعات: فعالیت دولت ممکن است به وسیله اطلاعات ناقص در بازارهای خصوصی توجیه‌پذیر باشد ویژگی که اطلاعات دارد این است که می‌توان با اغماض آن را کالای عمومی تلقی کرد و نقش دولت همانند نقشی است که برای کالای عمومی بحث شد.

۵- نوسان‌های اقتصاد کلان: دولت لازم است برای اصلاح عدم تعادل‌های اقتصادی نقش ایفا کند از جمله عدم تعادل‌هایی که به افزایش نرخ بیکاری، افزایش نرخ تورم و رکود در اقتصاد منجر می‌شود.

۶- باز توزیع: حتی اگر بخش خصوصی کالاها و خدمات را به‌صورت کارآمد تولید کند توزیع درآمد از نظر اجتماعی مطلوب نخواهد بود در این حالت از سازوکارهایی نظیر اعمال نرخ مالیات تصاعدی به‌منظور توزیع متعادل‌تر درآمدها استفاده می‌کند.

۷- شکست رقابت: در صورتی که رقابت مؤثر وجود نداشته باشد منافع ناشی از رقابت که شامل قیمت‌های پایین‌تر و بهره‌وری بالاتر است، حاصل نمی‌شود در این شرایط دولت برای اینکه اطمینان حاصل کند در بازارهای خصوصی رقابت مؤثر حاکم است نقش ایفا می‌کند

۸- کالاها و خدمات شایسته: به کالاها و خدماتی اطلاق می‌شود که مردم و جامعه باید آن‌ها را داشته باشد صرف‌نظر از اینکه آن‌ها توانایی آن را داشته باشند یا اینکه افراد را مجبور کند که در مدارس آموزش ببینند. به‌طور خاص دولت‌ها وظیفه‌دارند آموزش عمومی به‌ویژه آموزش ابتدایی را اجباری کند. (استیگلیتز ۲۰۰۰)

در همین زمینه (دات ۲۰۱۱) اهداف و سیاست‌های مکتب نئوکلاسیک را از سه بعد به شرح زیر موردنقد قرار می‌دهد:

- ۱- ابتدا بر اهداف سیاست‌ها متمرکز می‌شود وی می‌گوید اهداف سیاست به‌جای کنترل نرخ تورم بیشتر بر توزیع درآمد، فقر و بیکاری تمرکز داشته باشد.
- ۲- سیاست‌گذاری اغلب به‌عنوان یک هنر قلمداد می‌شود تا اینکه یک علم باشد حتی اگر اقتصاد از نظر مدل‌های ریاضی و اقتصادسنجی آزمون و تحلیل شود این کار موجب نمی‌شود که واکنش دقیق سیاست به مسئله و مشکل کشف شود و به‌طور دقیق انتظارات از نتایج یک سیاست شناسایی شوند.
- ۳- میان کسانی که به دلایل مختلف با فعالیت‌های دولت مخالفت دارند و کسانی که فکر می‌کنند سیاست‌های دولت داروی تمامی دردها است درکضعیفی وجود دارد زیرا سیاست‌های دولت همان‌گونه که انتظار می‌رود ممکن است کار نکند و تغییرات مکرر در سیاست‌های اقتصاد کلان موجب می‌شود بی‌ثباتی بیشتری ایجاد شود و نا اطمینانی بیشتر را به دنبال داشته باشد (دات ۲۰۱۱)

مراحل سیاست‌گذاری:

کینگدان (۱۹۹۵) اعتقاد دارد فرایند سیاست‌گذاری به‌صورت متعارف تنها در رابطه با مراحل مختلفی از توسعه سیاسی مفهوم پیدا می‌کند. مرحله اول شامل تدوین پیشنهادیه اولیه سیاست است به‌نحوی که موضوع سیاست‌گذاری به‌عنوان یک سیاست اولویت‌دار انتخاب شود در این مرحله

اعتبار سیاست و نهادها و افرادی که باسیاست سروکار دارند، مدت‌زمان و نحوه بررسی سیاست مشخص می‌شود. مرحله دوم به بحث و بررسی سیاست توسط سیاست‌گذاران اختصاص دارد مرحله سوم به تصویب یا عدم تصویب سیاست جدید مرتبط است و مرحله چهارم دوره اجرای سیاست را پوشش می‌دهد و طی آن از اثربخشی و موفقیت سیاست اطمینان حاصل می‌شود.

لیندبلوم و همکاران (۱۹۸۰) در تبیین مفهوم سیاست‌گذاری می‌گویند ابتدا مشکل مطالعه و سپس اهداف شناسایی می‌شود در مرحله بعد سیاست‌ها برای دستیابی به آن اهداف شناسایی می‌گردد و در نهایت سیاست موردنظر اتخاذ می‌شود. نظارت آخرین مرحله فرایند سیاست‌گذاری است.

در ادبیات موضوع، فرایند سیاست‌گذاری خود از شش مرحله به شرح زیر تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از تبیین دقیق مسئله و مشکل تبیین اهداف سازگار، تبیین گزینه‌های مختلف حل مسئله و مشکل، انتخاب گزینه بهینه، اجرای سیاست و ارزیابی نتایج و پیامدهای سیاست.

شایسته است برای بهره‌گیری از تجارب سیاست‌گذاری گذشته کشور، سیاست‌های منتخب در نظر گرفته شود و کم و کیف فرایندی که آن‌ها در طراحی و اجرا طی کرده‌اند در چارچوب روش علمی ارزیابی شود و علل و عواملی که سبب شده است یک سیاست در فرایند تدوین و طراحی به‌صورت ناقص طی شود، احصا و ارزیابی و عدم دستیابی به نتایج مطلوب سنجیده شود.

سیاست‌های راهبردی در جهت رفع موانع:

– سیاست راهبردی ارتقای کارآمدی نهادها:

تجارب رشد و توسعه اقتصادی مؤید این است که نهادها در مدیریت رشد و توسعه کشورها نقش اساسی داشته است نهاد در مفهوم عام شامل مجموعه چارچوب‌های اجرایی و قانونی هستند که نحوه تعامل افراد کسب‌وکارها و دولت را در انجام فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد درآمد و ثروت در یک کشور فراهم می‌کند نهاد در مفهوم سازمان به دودسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود. سازمان‌های رسمی و غیررسمی هر دو در شکل‌گیری محیط کسب‌وکار، نقش اساسی دارند. سازمان‌های رسمی در چارچوب نهادهایی موردبحث قرار می‌گیرد که به‌وسیله حاکمیت، مدیریت و سیاست‌گذاری می‌شود. نهادهای غیررسمی مانند رسانه‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد اغلب توسط مردم

اداره می‌شود و امروزه در ابعاد مختلف در شکل‌گیری محیط مناسب برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، نقش اساسی ایفا می‌کنند بنابراین الزامات محیط مناسب برای کسب‌وکارها می‌طلبند که: -نهادهای مدیریتی و اجرایی در یک کشور کارآمد باشند. -قانون و مقررات شفاف، پایدار یکسان و تسهیل‌کننده‌ای بر فعالیت‌های اقتصادی و روابط افراد و سازمان‌ها حاکم است.

برای بهبود محیط کسب‌وکار انتظار می‌رود رویکرد تصویب و نظارت بر حسن اجرای قانون‌ها و مقررات به‌گونه‌ای باشد که هزینه‌های انجام فعالیت‌های اقتصادی از جمله هزینه کسب‌وکارها در ایجاد، تولید و عرضه کالاها و خدمات و انحلال کسب‌وکار به حداقل برسد. در غیر این صورت کسب و کاره قادر به رقابت با رقبای جهانی نخواهند بود. این در شرایطی است که اگر کسب‌وکارها همانند رقبای بین‌المللی فناوری‌های پیشرفته‌تر نداشته باشد و هزینه اجرای قانون‌ها و مقررات بر آن‌ها نسبت به رقبای بین‌المللی بیشتر باشد رقابت در سطح بین‌المللی معنا و مفهوم نخواهد داشت بنابراین در صورت وجود قانون‌های دست و پاگیر و غیرضروری و تحمیل هزینه‌های بیشتر بر کسب‌وکارها بخش غیررسمی در انجام فعالیت‌های اقتصادی توسعه پیدا نخواهد کرد. با عنایت به مفاد قانون اساسی و قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی ظرفیت‌های خوبی برای ایجاد نهادهای کارآمد پیش‌بینی شده است تا برای تدوین قانون‌ها و مقررات به‌منظور تسهیل رقابت و منع انحصار استفاده شود با این وجود نهادها در کشور به‌گونه‌ای شکل گرفته‌اند و قانون‌ها و مقررات به نحوی تصویب و اجرا می‌شود که هزینه‌هایی را بر کسب‌وکارها تحمیل می‌کند و از قدرت و توان رقابتی آن‌ها می‌کاهد. بنابراین انتظار می‌رود مجموعه نهادهای حاکمیتی، ساختار نهادهای مدیریتی و اجرایی کشور را به‌گونه‌ای اصلاح نمایند که به‌صورت کارآمد و همچنین قانون‌ها و مقررات غیرضروری را برای کاهش هزینه مبادله فعالان اقتصادی حذف کنند و قانون‌های دیگری مانند قانون حمایت از مالکیت معنوی را در فعالیت‌های مختلف موردتوجه قرار می‌دهند.

اصلاح و کاهش فرایندهای قانونی مانند قانون ایجاد و انحلال کسب‌وکار و قانون‌های ناظر بر بهره‌برداری از منابع و عوامل تولید، استحکام استانداردهای حساسی، ارتقای استانداردهای بهداشت و امنیت محیط کار از منابع و عوامل تولید، استحکام استانداردهای حساسی، ارتقای

استانداردهای بهداشت و امنیت محیط کار، قانون و مقررات ناظر بر کیفیت و فروش محصول در کاهش هزینه اهمیت دارند.

سیاست‌های راهبردی توسعه دانش، فناوری و نوآوری:

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رویکردها بر توسعه کسب‌وکارهای بزرگ بود تا بتوان در بازارهای بین‌المللی فعال ماند با ورود کارآفرینی در فعالیتهای اقتصادی، تجربه نشان داد کسب‌وکارهای کوچک دانش‌بنیان و نوآور قادر هستند محصولات خود را به بازارهای جهانی صادر کنند از آنجایی که کارآفرینی بر محور بهره‌برداری از فرصت از طریق خلاقیت و نوآوری استوار است، تنوع تولید و به‌تبع آن تنوع صادرات را هم خواهد داشت. ایجاد اشتغال و ارزش‌افزوده در مقیاس‌های کوچک توسط کارآفرینان اگر تنها راه مقاوم‌سازی اقتصاد و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی نباشد، کوتاه‌ترین راه رسیدن به آن است. به‌ویژه زمانی که جهانی‌شدن توسعه‌یافته و بازارها در اختیار کسب‌وکارهای نوآور و دانش‌بنیان قرار گرفته است و رقابت از سطح ملی جای خود به سطح بین‌المللی داده است روی آوردن به توسعه دانش، فناوری و نوآوری، دیگر یک انتخاب نیست. بلکه ضرورت است به هر میزان که در این فرایند تأخیر شود خسارت آن برای کشور مضاعف خواهد بود به همین دلیل است که کارآفرین نقش منحصربه‌فردی در تحکیم بنیادهای یک اقتصاد دارد و رشد و توسعه اقتصادی را به ارمغان می‌آورد سیاست‌های راهبردی برای توسعه کارآفرینی با یک نگرشی بر دودسته سمت عرضه و تقاضای کارآفرینی تقسیم‌پذیر است:

سیاست‌های راهبردی عرضه کارآفرینی شامل سیاست‌های توسعه آموزش و مهارت‌های کارآفرینی، سیاست‌های توسعه فناوری و نوآوری، سیاست‌های توسعه فرهنگ کارآفرینانه، سیاست‌های توسعه آگاهی و شبکه‌سازی، سیاست‌های قانونی و مقررات تنظیمی و سیاست‌های تأمین مالی است.

سیاست‌های راهبردی تقاضای کارآفرینی با محوریت خلق و کشف و شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی است فرصت‌های کارآفرینانه در سطوح ملی و بین‌المللی وجود دارد. شرایط توسعه برای بهره‌برداری از این فرصت‌ها از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد. سیاست‌های دولت نقش محوری در توسعه و بهره‌برداری از این فرصت‌ها دارد عمده‌ترین سیاست‌های دولت به

سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و یا مدیریت انتقال دانش و همچنین به حوزه‌های مختلف آموزش و قانون‌ها و مقررات، نوآوری و تأمین مالی مربوط است.

در کشورهای درحال توسعه نظیر ایران علاوه بر این که لازم است دولت در تولید دانش، برنامه‌های عملیاتی تدوین و اجرا کنند دو رویکرد همزمان برای توسعه نوآوری در کسب‌وکارها در سطح ملی باید اتخاذ شود یکی ارتقای توانمندی کسب‌وکارها برای تولید نوآوری و دیگری انتقال دانش و فناوری از خارج از کشور و تطبیق آن با فرایندهای تولید داخلی که خود بر کانال‌های مختلفی استوار است.

در اصول مختلف قانون اساسی به علم و دانش و فناوری از جمله تأسیس نهادهای علمی توجه ویژه‌ای شده است در بند ب اصل دوم قانون اساسی به تحقیق و توسعه، علم و دانش و فناوری، ابتکار و نوآوری و کارایی اشتغال توجه شده است در بند چهارم اصل سوم بر تقویت روح بررسی و تتبع در تمامی زمینه‌های علمی، فنی و فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان تصریح شده است در بند سوم اصل ۴۴ قانون اساسی موضوع افزایش مهارت و ابتکار افراد مطرح شده است علاوه بر قانون اساسی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به فزاینده‌هایی مانند کسب جایگاه اول تولید علم و فناوری، برخورداری از دانش پیشرفته و متکی بر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی تصریح شده است جهت‌گیری اسناد بالادستی مؤید این است موضوعات اساسی مانند تحولات علمی فناوری و نوآوری از اولویت‌های اساسی کشور است اما در عمل این جهت‌گیری‌ها اجرایی نشده و محیط چندان مناسبی به‌وسیله دولت‌ها برای ایجاد این تحولات فراهم نشده است. در این زمینه همکاری دانشگاه و صنعت در تحقیق و توسعه و تجاری‌سازی برای به‌کارگیری آن‌ها در درون کسب‌وکار حائز اهمیت است. با عنایت به محدودیت‌های پیش روی تولید دانش و توسعه فناوری و نوآوری در کشور و وجود شکاف دانش و فناوری با دنیا لازم است دولت سیاست‌های راهبردی مؤثری برای کوتاه‌مدت و میان‌مدت به‌منظور تولید، واردات و انتقال دانش جهانی، طراحی و به اجرا درآورد.

سیاست‌های راهبردی برای تولید و کاربرد دانش، فناوری و نوآوری ملی عبارت‌اند از:

۱- توسعه سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه کشور برای خلق دانش، فناوری و نوآوری

- ۲-نهادسازی برای مدیریت و تولید دانش، فناوری و نوآوری
- ۳-حمایت‌های هدفمند از سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه کسب‌وکارهای خصوصی
- ۴-توسعه بنگاه‌ها و کسب‌وکارهای نوآور همراه با توسعه انکوباتورها
- ۵-تقویت ارتباط دانشگاه با صنعت
- ۶-توسعه دولت الکترونیکی، جامعه الکترونیکی، سلامت الکترونیکی، کسب‌وکار الکترونیکی و آموزش الکترونیکی.
- ۷-توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همراه با توسعه سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه مکمل برای بومی‌سازی دانش و فناوری وارداتی به کشور.
- ۸-جهت‌دهی واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای با محوریت واردات کالاهای دانش بر

سیاست‌های راهبردی ارتقای کارایی و توسعه بازارهای اقتصاد کلان

کارآمدی و توسعه بازارهای اقتصاد کلان به‌منظور توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی یکی از الزامات دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی است. بازارهای اقتصاد کلان شامل بازارهای متعدد و متنوعی هستند این بازارها عبارت‌اند از: بازار سرمایه شامل بازار سهام و بازار اوراق باهدف تأمین منابع مالی بلندمدت، بازار پول و اعتبارات برای تأمین مالی کوتاه‌مدت، بازار بیمه برای باز توزیع ریسک، بازار ارز و بازار کالاهای استاندارد. بازارهای مالی به‌ویژه بازار سرمایه وظیفه دارد پس‌انداز خانوارها را بر فعالیت‌های مولد تخصیص دهد. نظریه‌های رشد نوین، سرمایه انسانی و خلاقیت و نوآوری را دو عامل کلیدی رشد معرفی کرده است بهبود سرمایه انسانی موجب افزایش بهره‌وری در اقتصاد می‌شود نوآوری دلالت بر رشد و توسعه دانش دارد این در شرایطی است که هر دو عامل به نحوی به درجه رشد و توسعه نظام مالی مرتبط هستند.

طی دهه‌های اخیر نقش بازارهای مالی در فرایند رشد و توسعه بیش‌ازپیش نمایان شده است. بازارهای مالی یک وسیله مبادله پذیرفتنی هستند که زمینه مبادله را با حضور واسطه‌های مالی برای عاملان اقتصادی فراهم می‌کنند و به این وسیله هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهند و دراین‌باره از صرفه‌های حاصل از مقیاس نیز بهره می‌برند اما در عمل توسعه بازارهای مالی در کشورهای درحال توسعه موردتوجه لازم قرار نگرفته است. تأمین مالی کسب‌وکارها در بازارهای مالی اقتصادی

ایران بر شیوه سنتی متمرکز است و اغلب بانک‌های تجاری این نقش را بر عهده‌دارند درحالی‌که در کشورهای پیشرفته، بازار سرمایه در تأمین مالی اعم از تأمین مالی بخش دولتی و بخش خصوصی نقش اساسی دارد این خود سبب می‌شود بسیاری از مشکلات و حتی چالش‌هایی که در محیط کسب‌وکار وجود دارد در این فرایند ریشه داشته باشد. یکی از ریشه‌های اصلی آن در تأمین مالی دولت از نظام بانکی است. این شیوه تأمین مالی هرچند در طول دهه‌های گذشته متفاوت بوده اما پیامد آن رشد پایه پولی و به تبع آن افزایش حجم نقدینگی کشور بوده است. نتیجه افزایش نقدینگی ابتدا خود را نرخ تورم نشان داده است و به تدریج در پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید آثار خود را نمایان می‌کند.

میزان اعتبارت در نظام بانکی رسمی کشور به دلیل اجرای سیاست‌های حمایت‌گرانه، تکاپوی نیاز متقاضیان را نمی‌کند. پس تنها افرادی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند که بر اساس شرایط نظام بانکی از اولویت لازم برخوردار باشند. این در شرایطی است که این امر به ایجاد بازار دوگانه رسمی و غیررسمی در اقتصاد منجر شده است. از تفاوت‌های اصلی این دو بازار می‌توان به نرخ‌های سود بالا و ریسک‌های متفاوت اشاره کرد.

وجود قانون‌های شفاف در بازارهای مالی، سهولت دسترسی به منابع مالی، در دسترس بودن خدمات مالی و در دسترس بودن سرمایه‌های مخاطره‌آمیز در بازارهای مالی مؤلفه‌هایی هستند که انتظار می‌رود در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گیرند.

سیاست راهبردی باثبات سازی محیط کلان

محیط سازمانی در طول زمان پیچیده‌تر می‌شود تامپسون¹ (۱۹۶۷) اعتقاد دارد توصیف محیط با محوریت اطلاعات، مرکز ثقل نظریه‌های محیط کسب‌وکار را تشکیل می‌دهد در این محیط کسب‌وکارها با نا اطمینانی بنیادی مواجه هستند و محیط پر از ابهام و نظریه‌های ریسک در آن کاربرد ندارد زیرا کسب‌وکارها به دلیل فقدان اطلاعات درباره آینده محیط قادر نیستند آینده فعالیت‌ها را به‌طور دقیق پیش‌بینی کنند.

¹ Thompson

دونکن (۱۹۷۳) نا اطمینانی محیطی را به عنوان کمبود اطلاعات در خصوص رویدادها و کنش‌هایی که به وسیله کسب‌وکار صورت می‌گیرد تعریف می‌کند و یا غیرممکن بودن پیش‌بینی تغییرات محیطی و اثرات آن بر تصمیمات سازمانی می‌داند. کریزنر و مارینو (۲۰۰۲) اعتقاد دارند بیشتر نا اطمینانی محیطی در نا اطمینانی اطلاعات و وابستگی به منابع ریشه دارد. در مورد منشأ تغییرات محیطی، استیگ تر (۲۰۰۲) تغییرات را ناشی از عوامل مختلف سیاسی، جمعیتی، اقتصادی، فناوری، زیرساخت‌ها، بوم‌شناسی و اجتماعی می‌داند. انسوف (۱۹۶۵) در تعریف محیط متلاطم تصریح می‌کند در محیط متلاطم ویژگی‌های زیر غالب می‌شود:

- برون‌یابی و برآورد رشد اگر ممکن نباشد، غیرممکن است.
- راهبردهای تاریخی دیگر موفقیت‌آمیز نیستند.
- پیوندی بین سودآوری و رشد وجود ندارد.
- آینده بسیار نامطمئن است.

محیط بسیار شگفت‌انگیز و غیرمترقبه است. برای درجه‌بندی تلاطم محیطی، انسوف و سولیبون (۱۹۹۳) ماتریسی را ارائه و تلاطم محیطی را در پنج سطح در ستون ماتریس تعریف می‌کنند و برای سطر ماتریس، چهار سطح را برای پیش‌بینی پذیر بودن ارائه می‌دهند. این ماتریس در جدول ذیل

| سطح تلاطم | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ |
|------------------|------------------|-----------------------------|--------------------|----------------------|--------------------------------|
| تلاطم محیطی | تکراری (یکنواخت) | گسترش یابنده | تغییرپذیر | گسسته | شگفت‌انگیز |
| پیچیدگی | اقتصاد ملی | + | فناوری منطقه‌ای | + | سیاسی - اجتماعی جهانی |
| شناخت رویدادها | شناخته شده | برون یاب پذیر (برآورد پذیر) | | شناخته شده گسسته | نوظهور (جدید) گسسته |
| سرعت تغییرات | هسته تراز واکنش | مقایسه پذیر با واکنش | با شتاب تراز واکنش | | خیلی با شتاب تراز واکنش |
| رؤیت پذیری آینده | متناوب و تکراری | پیش‌بینی پذیر | پیش‌گویی پذیر | تا حدی پیش‌گویی پذیر | شگفت‌انگیزهای غیرقابل پیش‌گویی |

ترسیم شده است:

محیط در سطح نخست به نحوی است که تلاطم ذاتاً تغییرناپذیر است و وقتی رخ می‌دهد این تغییر خیلی آهسته است و واکنش تدریجی خواهد بود. در سطح دو تلاطم با تغییرات آهسته و واکنش به تغییرات از زمان آغاز تغییرات تا تأثیرگذاری کامل امکان‌پذیر خواهد بود محیط در سطح سه تلاطم با تغییرات فزاینده مواجه است و آینده منطقی و در سطح چهار تلاطم با تغییرات خیلی سریع، فزاینده و گسسته مواجه است و آینده حتی بندرت قدری پیش‌بینی‌پذیر است و در سطح پنج متلاطم و مملو از شگفتی‌هاست.

برنانکی (۱۹۸۳) بیان می‌کند: وقتی پروژه‌های سرمایه‌گذاری برای فسخ کردن گران باشند یا اینکه استخدام و اخراج نیروی کار هزینه بالایی داشته باشند نا اطمینانی بالا در بنگاه ایجاد شده و سبب می‌شود انگیزه لازم برای تأخیر در اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری فراهم شود.

مورد دیگری ناشی از نا اطمینانی است افزایش هزینه‌های تأمین مالی می‌باشد (Gilchrist ۲۰۱۰) و علاوه بر این نظریه‌های مختلفی برای نا اطمینانی سیاستی شکل گرفته است که آن را در ابعاد پولی، مالی و مقررات تنظیمی بر اقتصاد بررسی کرده‌اند (فریدمن ۱۹۶۸). نا اطمینانی در مکاتب فکری نئو کلاسیک غفلت شده است به همین دلیل کارآفرین در این مکتب جایگاه چندانی ندارد درحالی که در مکتب اتریشی و مکتب پسا کینزی، نا اطمینانی در سطح گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته و کارآفرین نقش اساسی دارد.

شومپیتر (۱۹۳۴) نا اطمینانی را پیش‌شرط نوآوری و کارآفرینی نمی‌داند بلکه کارآفرین از طریق تخریب خلاق نا اطمینانی ایجاد می‌کند برای محاسبه نا اطمینانی سیاستی، بیکر و همکاران (۲۰۱۳) از سه مؤلفه اساسی استفاده کرده است.

مؤلفه اول: پوشش خبری روزنامه‌ها در خصوص نا اطمینانی اقتصادی مرتبط با سیاست را کمی می‌کند.

مؤلفه دوم: تعداد مواد قانونی مالیات را که در سال‌های آینده اجرای آن‌ها لغو می‌شود.

سومین مؤلفه: وجود تناقض میان انواع مختلف پیش‌بینی‌های اقتصادی درباره سیاست‌های مرتبط با نماگرهای اقتصاد کلان را به عنوان متغیر جانشین برای نا اطمینانی استفاده می‌کند.

بی‌ثباتی در اقتصاد کلان از منشأهای مختلف سرچشمه می‌گیرد ناسازگاری اهداف و سیاست‌های اقتصاد کلان، تفاوت پیش‌بینی نماگرهای اقتصاد کلان به‌وسیله نهادها و افراد مختلف منشأهای اصلی بی‌ثباتی اقتصادی در اقتصاد کلان را با محوریت فعالیت دولت تشکیل می‌دهد علاوه بر آن‌ها تحولات سیاسی و انتظاراتی که بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد موجب نا اطمینانی شده است و بر تصمیمات فعالان اقتصادی تأثیر می‌گذارد وجد تکانه‌های بین‌المللی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی از دیگر عوامل ایجاد نا اطمینانی هستند و به‌طور طبیعی آثار آن‌ها بر تصمیمات فعالان اقتصادی از جمله کارآفرینان در رشد، توسعه و بقا نمایان خواهد شد. جولی و یوک (۲۰۱۲) به‌صورت تجربی نشان دادند که سرمایه‌گذاری کسب‌وکارها هنگام انتخاب در سطح ملی، کاهش می‌یابد.

برودگارد و دیتزل (۲۰۱۲) نتیجه‌گیری کردند نا اطمینانی سیاستی بازدهی دارایی‌ها را کاهش می‌دهد. هندلی و لیماو (۲۰۱۲) درزمینه‌ی نا اطمینانی تجاری مطالعه کرده و نشان دادند که نا اطمینانی تجاری سبب می‌شود ورود کسب و کاره برای انجام فعالیت‌های اقتصادی به تأخیر افتد. در مقاله‌ای مرادی ۲۰۰۸ رابطه متقابل بین نا اطمینانی و نرخ تورم ایران بررسی و به این نتیجه رسید که رابطه بین این دو متغیر وجود دارد یعنی افزایش نرخ تورم باعث افزایش نا اطمینانی می‌شود و برعکس.

در این مقاله برای کاهش نرخ تورم و نا اطمینانی تورم، اجرای سیاست‌های باثبات، کارآمد و مؤثر پولی و ارزی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نرخ تورم توصیه شده است.

بی‌ثباتی در اقتصاد ایران موجب تشدید نا اطمینانی در اقتصاد می‌شود و از چالش‌های اساسی پیش روی محیط کسب‌وکار ایران قرار دارد بخشی از بی‌ثباتی‌ها به سیاست‌های مقطعی و کوتاه‌مدت دولت اختصاص دارد و تغییر مکرر آن در طول برنامه‌های توسعه پنج‌ساله یا حتی در طول یک سال، سبب می‌شود قدرت پیش‌بینی و برنامه‌ریزی را از عاملان اقتصادی بگیرد.

باثبات سازی محیط اقتصاد کشور هم برای شکل‌گیری محیط رقابتی و هم برای توسعه فعالیت کسب و کاره حائز اهمیت است. باثبات سازی موجب می‌شود نا اطمینانی در فعالیت‌های اقتصادی

کاهش یابد همان طور که بیان گردید نا اطمینانی در تصمیمات و رفتار فعالان اقتصادی در تحولات اقتصادی، سیاسی، فناوری، اجتماعی، قانونی و زیست محیطی ریشه دارد.

انتظار می رود برای دستیابی به ثبات اقتصاد کلان، دولت بسته سیاستی برای هر نماگرهای کلیدی اقتصاد کلان (نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی) تهیه کند.

جهت مدیریت نرخ تورم دولت، دو رویکرد را در نظر بگیرد: ۱- هدف گذاری نرخ تورم پایین ۲- باثبات سازی نرخ تورم که در نتیجه ریسک اقتصادی کشور تقلیل می یابد.

حجم نقدینگی کشور مدیریت شود و نرخ رشد آن تقلیل یابد

با توجه به عدم استقلال سیاست های پولی و مالی، تحقق آن مستلزم کاهش حجم دولت است و این تحقق نمی یابد مگر اینکه اصلاحات بنیادی در محیط تصمیم گیری حاکم با مشارکت مجلس و دولت صورت گیرد

پیشنهاد می شود جهت باثبات سازی محیط اقتصاد کلان دو جهت گیری همزمان دنبال گردد:

۱- اساس و بنیاد ساختار اقتصاد به گونه ای بنا شود که در مقابل تکانها مقاوم باشد.

توضیح اینکه در حال حاضر دولت و تولید و تجارت و به تبع آن مصرف کشور، به نفت وابسته است و میزان صادرات و قیمت نفت، در بیرون از مرزهای کشور، تعیین می شود لذا دولت قادر نیست نوسان های درآمد نفتی را مدیریت کند و در این صورت با چالشی مواجه شده و اقتصاد ایران در مقابل تکانها شکننده می گردد. لذا باید در جهت توسعه فعالیت های کارآفرینی اقدام نمود که فرصت ها و ریسک ها به صورت متنوع توزیع می شود و فعالیت های کارآفرینی با ریسک بالایی مواجه نمی شوند و برای مثال در صورتی که یک کارآفرین، بازار صادرات محصولات خود را در کشورهای مختلف توزیع کند اگر در کشوری تکانه ای ایجاد شود مشکل اساسی در ثبات درآمد آن ایجاد نخواهد شد. ایده ساده ای که می گوید: "نباید همه تخم مرغ ها را در یک سبد گذاشت".

۲- سیاست ها و اقداماتی که دولت در مواجهه با تکانها اتخاذ می کند در این زمینه دو رویکرد پیشنهاد می گردد:

- رویکرد راهبردی برای تحکیم مبانی و ساختار اقتصاد ایران

- رویکرد راهبردی برای مقابله با تکانه‌ها در سطوح جهانی و ملی

برای تحکیم مبانی و ساختار اقتصاد ایران از بعد ساختاری حائز اهمیت است. ساختار تولید به دلیل وابستگی به نفت و ساختار سنتی از بعد فناوری و سرمایه انسانی شکننده است. علاوه بر آن حجم بالای واردات کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای سرمایه‌گذاری و تولید کشور به بازارهای جهانی وابسته است واردات نیز به تبع آن به درآمدهای نفتی با نوسان‌های زیادی مواجه است. برای مقاوم‌سازی ساختار اقتصاد ایران باید باتدبیر دولت از یک اقتصاد منابع بنیان به یک اقتصاد دانش‌بنیان انتقال یابد و طی آن دانش و فناوری و نوآوری به‌وسیله کارآفرینان از مراکز علمی و پژوهشی در سطوح ملی (دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ملی) و بین‌المللی (سرریز دانش بین‌المللی) به درون کسب‌وکار منتقل شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

در این مقاله ابتدا مفاهیم و مبانی نظام اقتصادی و سیاسی موردبررسی قرار گرفت موانع و چالش‌های کلیدی در محیط کسب‌وکار مورد ارزیابی قرار گرفته و سیاست‌های راهبردی در هر مورد معرفی و ابعاد و مؤلفه بحث و بررسی شد کارآمد سازی نهادها، توسعه دانش و فناوری، ارتقا کارایی و توسعه بازارهای اقتصاد کلان و باثبات سازی محیط کلان.

نتیجه این مقاله مؤید آن است که وضعیت جاری حاکم بر محیط کسب‌وکار کشور به‌منظور دستیابی به یک اقتصاد رقابتی مناسب نیست و لازم است برنامه مدونی برای ارتقای آن تهیه و اجرا شود به نظر می‌رسد تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران با معطوف کردن سیاست‌ها به حل چالش‌های چهارگانه فوق قادر خواهند بود اصلاحات مؤثری برای بهبود محیط کسب‌وکار انجام دهند. با تأکید بر ایجاد اشتغال و ارزش افزوده در مقیاس‌های کوچک توسط کارآفرینان جهت مقاوم‌سازی اقتصاد و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی اقدام می‌نمایند و همچنین روی آوردن به توسعه دانش و فناوری و نوآوری ضرورتی است که در این فرایند نباید به تأخیر افتد.

پیشنهاد می‌گردد مدیریت کشور به یک انتخاب اساسی دست بزند و با عنایت به تجارب ایران و جهان، سیاست‌های راهبردی و توسعه را بر انتقال اقتصاد ایران از اقتصاد منابع بنیان به اقتصاد

دانش، فناوری و نوآوری بنیان، قرار دهد؛ و محور ثقل راهبرد توسعه اقتصادی و برطرف نمودن چالش‌های فضای کسب‌وکار و مبتنی بر دانش و نوآوری نهاده شود و زیرساخت‌های لازم جهت توسعه و بهبود فضای کسب‌وکار را تأمین نمایند. همچنین با فرهنگ سازی و نهادینه کردن روحیه کارآفرینی و تشویق کارآفرینان در جهت تولید در ساختارهای تعاونی و بهره‌گیری از سرمایه خرد مردم، بدر جهت بهبود فضای کسب‌وکار کشور اقدام نمایند. در این مقاله چهار چالش و مانع در محیط کسب‌وکار قرار گرفت. پیشنهاد می‌گردد محققان و پژوهشگران چالش‌های دیگری چون روش‌های تأمین منابع مالی و زیرساخت‌های لازم و فساد را موردبررسی قرار دهند.

منابع:

- احمدی، سید وحید؛ بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های فضای کسب‌وکار در ایران و جهان؛ مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی ۱۳۸۷.
- نمازی، حسین ۱۳۹۱ نظام‌های اقتصادی ویرایش هفتم شرکت سهامی انتشار
- وحید بیگدلی، سید امیر سیاح، موسی شهبازی، زهرا نعیمی؛ پایش محیط کسب‌وکار ایران در بهار ۱۳۹۰: دفتر مطالعات محیط کسب‌وکار، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ مهرماه ۱۳۹۱
- Baker, s.R., Bloom,., & Davis, S. (2013). Measuring economic policy uncertainty. stanford University.
- Bernanke, B. (1983). Irrevesibility, uncertainty and cyclical investment. Quarterly Jornal of ECONOMICS, 98, 85-106
- Brodgard, g., & detzel, (2012) The asset pricing implications of government economic policy uncertainty.
- Dutt, A. K. (2011). Macroeconomic theory after the crisis. Review of Radical Political Economics, 43(3), 310-316.
- Fridman, M. (1968) the role of monetary policy. the American economic review, 58(1), 1-17.
- Gichrist, simon. Gae. w. Sim, Egon zarajesk (2010). uncertainty, financial friction and Investment Dynamics, BOSTON University.
- Handley, k., & limao, n. (2012). Trade and investment under policy uncertainty: theory and firm evidence. maryland mimeo.
- Julio, b., & yook, (2012) political uncertahnly and corporate investment cycles.
- kingdon, j. w. (1995) Agendos, alternatives, and public policies new York: Harper Collins College Publishers
- Mises, L. von. (1998b) Interventionism: An economic analysis. Irvington-on Hudson, NY: foundation for Economic Education.

- Moradi , M ,A (2008).A Garch model if in flation and inflation uncertainly in Iran.
- Schumpeter , j. (1934)the theory of economic development.cambridge ma: Harvard university press.
- Stiglitz,J.e.,orszag,p.r.,&orszag,j.m.(2000).THE Role of government in a digital age
- The word BANK. (2003) investment climate around the world.Washington,DC 20433-
- Worthington,I,Britton.(2009)business environmental.5 th edition,prentice hall-